

آغاز نبوت

دکتر منصور پهلوان*

حامد شریعتی نیاسر**

چکیده: دربارهٔ زمان آغاز نبوت پیامبر اسلام ﷺ بین دانشمندان مسلمان، اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای را نظر بر این است که آغاز نبوت پیامبر ﷺ در سنّ چهل سالگی بوده است و بعضی این زمان را از بدو طفولیت و پایان دورهٔ شیرخوارگی می‌دانند. عده‌ای نیز با استناد به حدیث «كُنْتُ نَبِيًّا وَ آدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الطِّينِ»، آغاز نبوت پیامبر ﷺ را قبل از خلقت آدم ﷺ دانسته‌اند. مسئلهٔ این تحقیق آن است که زمان آغاز نبوت پیامبر اکرم ﷺ کی بوده و آیین ایشان قبل از بعثت چه بوده است.

کلید واژه‌ها: رسالت / بعثت / پیامبری / نبی / رسول / پیامبر ﷺ / شق صدر.

Email : pahlevan@ut.ac.ir

Email : hshariati.ut.ac.ir

*. استاد دانشگاه تهران.

** . دانشجوی دکتری رشتهٔ علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران.

طرح مسئله

در خصوص زمان آغاز نبوت پیامبر اسلام ﷺ اقوال گوناگونی وجود دارد که هر کدام نتایج و لوازم متفاوتی دارد. برخی گفته‌اند که آغاز نبوت رسول خدا ﷺ از بدو خلقت و حتی قبل از آفرینش آدم بوده است. برخی نیز گفته‌اند که پیامبر از همان بدو تولد و صباوت نبی بوده و به شریعت خود عمل می‌کرده، اما مأمور به تبلیغ نبوده است. برخی نیز آغاز نبوت را مطابق آنچه امروز نیز مشهور است، در سنّ چهل سالگی ایشان دانسته‌اند.

آنچه در این مقاله تحقیق شده، آن است که پیامبر اکرم ﷺ از بدو طفولیت، مؤید به تأییدات الهی بوده، اما نبوت ایشان از سنّ چهل سالگی شروع شده و با ابلاغ آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ» رسالت و دعوت علنی ایشان آغاز شده است بر آیین «الْحَنِيفِيَّةُ الْبَيْضَاءُ»، یعنی همان دین حضرت ابراهیم عليه السلام بوده است.

۱) اقوال مختلف در آغاز نبوت پیامبر اکرم ﷺ

۱-۱) چهل سالگی

برخی را نظر بر این است که بین دو واژه «نبی» و «رسول» تفاوتی نیست و استعمالات قرآنی این دو کلمه مشابه است و هر دو به یک حقیقت اشاره دارند و آن آغاز نبوت رسول مکرم اسلام ﷺ هم‌زمان با بعثت و در سنّ چهل سالگی است. (مطهری، ص ۲۴ و ۳۳ و ۴۲-۴۵؛ سبحانی، *الالهيات على هدى الكتاب والسنة والعقل*، ج ۲، ص ۶۲۱، خزازی، ص ۱۸۸؛ مجلسی، ج ۱۲، ص ۱۲ و ج ۱۸، ص ۲۶۶) حتی برخی تصریح دارند که اگرچه پیامبر از بدو طفولیت تحت مراقبت‌های الهی بوده و مطابق آنچه امام علی عليه السلام در نهج البلاغه، در خطبه قاصعه می‌فرمایند، بزرگ‌ترین فرشته الهی همواره قرین و راهنمای ایشان به راههای فضایل و اخلاق نیکو بود، اما آغاز نبوت رسول مکرم اسلام ﷺ هم‌زمان با بعثت ایشان بوده است. (سبحانی، *راز بزرگ رسالت*، ص ۲۹۴-۲۹۵ و

(۳۰۱-۲۹۹)



در این فرض، مسلم است که پیامبر ﷺ به طور ناگهانی، مورد نزول وحی واقع نگردید و برخلاف گفته عده‌ای (بازرگان، ص ۱۶-۱۸) این‌گونه نبوده است که پیامبر ﷺ از رسالت و نبوت خویش آگاهی نداشته باشد و در غار حراء برای اول بار با فرشته وحی روبه‌رو گشته و پس از آن، برای تأیید و حصول اطمینان از صحت مشاهده خود به یک عالم مسیحی متوسل شده باشد؛ بلکه این آمادگی، طی مراحل پدید آمد و در خلوت‌هایی که پیامبر ﷺ در غار حراء داشت، صدای سروش غیبی را می‌شنید، ولی او را نمی‌دید (ابن‌کثیر، ج ۳، ص ۷۱۳) یا صدای فرشته‌ای را می‌شنید که او را «رسول الله» خطاب می‌کرد (ابن‌الحدید، ج ۳، ص ۲۰۷) و پس از بعثت، جبرئیل را در حالی که او را رسول الله خطاب می‌کرد، دید (ابن‌شهر آشوب، ج ۱، ص ۴۴) و گاه می‌شد که سنگ و درخت و کوه بر او سلام می‌کردند (ابن‌اثیر، ج ۳، ص ۵)^۱ و رؤیاهای صادقه - که جزئی از نبوت یا نوعی از وحی به شمار می‌آیند - مشاهده می‌کرد و هرچه زمان بعثت نزدیک‌تر می‌شد، مدت تحنث در غار حراء و میل به تفکر و عبادت در او فزونی می‌یافت.

در این فرض، مسلم است که آغاز نبوت از سنّ چهل سالگی، در ماه رجب یا در ماه رمضان است که هریکاز این دو تاریخ شواهد روایی خاص خود را دارد.^۲ لذا مطابق این نظر حتی بر فرض تفاوت لغوی و محتوایی دو واژه نبی و رسول، نبوت پیامبر اسلام هم‌زمان با رسالت ایشان آغاز شده است و تفاوتی به لحاظ زمانی بین این دو امر نیست و این مسئولیت مهم از سن چهل سالگی، بر دوش پیامبر نهاده شده است.

دلیل دیگر معتقدان به آغاز نبوت از چهل سالگی، برخی آیات قرآن (شوری (۴۲) /

۱. قال أبو شامة: وقد كان رسول الله ﷺ يري عجائب قبل بعثته، فمن ذلك ما في صحيح مسلم عن جابر بن سمرة قال: قال رسول الله ﷺ: «إني لأعرف حجراً بمكة كان يسلم عليّ قبل أن أبعث؛ إني لأعرفه الآن.»
 ۲. نک: مجلسی، ج ۱۸، ص ۱۹۰؛ ابن‌هشام، ص ۲۳۹ و ۲۴۰؛ ابن‌سعد، ج ۱، ص ۱۹۴؛ ابن‌کثیر، ج ۱، ص ۳۲۹؛ رهبری، ص ۱۰۰-۱۳۳؛ رسولی محلاتی، ص ۳۰-۳.

۵۲؛ عنكبوت (۲۹) / ۴۸؛ یونس (۱۰) / ۱۶؛ قصص (۲۸) / ۸۶؛ آل عمران (۳) / ۴۴؛ یوسف (۱۲) / ۱۰۲ است که به ظاهر، دلالت دارند که پیامبر ﷺ تا قبل از رسالت، گرچه موحد و یکتاپرست بود، ولی نبی نبود.^۱ (مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۷، ص ۶۲ و ۱۶۱) از آن جمله است آیه ﴿وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى﴾ (ضحی (۹۳) / ۷) که بحثها و احتمالات فراوانی در خصوص آن، از سوی مفسران مطرح شده است، (نک: فخر رازی، ج ۳۱، ص ۱۹۷)^۲ که یکی از آنها تفسیر ضلالت و هدایت، به ناآگاهی و آگاهی از اسرار نبوت و قوانین و معارف قرآن است؛ بدین معنا که تو هرگز از این امور آگاه نبودی و خدا بود که این نور را در قلب تو افکند تا با آن انسانها را هدایت کنی. (مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۷، ص ۶۲ و ۱۶۱)

بر این نکته، باید افزود که «ضال» در لغت عرب، سه معنای گمراه، گمشده و گمنام دارد (ابن فارس، ج ۳، ص ۳۵۶ و ۳۵۷)^۳ که تفسیر آیه به هر یک از این معانی،

۱. در ادامه پاسخ طرفداران نظریه آغاز نبوت پیامبر ﷺ قبل از چهل سالگی، در استدلال به این آیات خواهد آمد.

۲. فخر رازی در این خصوص می‌گوید: «فاعلم أنّ بعض الناس ذهب إلى أنه كان كافراً في أول الأمر، ثمّ هداه الله وجعله نبياً، قال الكلبي: ﴿وَجَدَكَ ضَالًّا﴾ يعني كافراً في قوم ضلال فهداك للتوحيد؛ وقال السدي: كان على دين قومه أربعين سنة؛ وقال مجاهد: وجدك ضالًّا عن الهدى لدينه؛ واحتجوا على ذلك بآيات أخر، منها قوله: ﴿مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ﴾ (شوری (۴۲) / ۲۵) و قوله: ﴿وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الْغَافِلِينَ﴾ (یوسف (۱۲) / ۳۰) و قوله: ﴿لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ﴾ (زمر (۳۹) / ۵۶) فهذا يقتضي صحّة ذلك منه، و إذا دلّت هذه الآية على الصحّة وجب حمل قوله: ﴿وَوَجَدَكَ ضَالًّا﴾ عليه؛ و أما الجمهور من العلماء فقد اتفقوا على أنه صلي الله عليه وسلم ما كفر بالله لحظة واحدة. ثمّ قالت المعتزلة: هذا غير جائز عقلاً لما فيه من التنفير؛ وعند أصحابنا هذا غير ممتنع عقلاً لأنه جائز في العقول أن يكون الشخص كافراً في رزقه الله الإيمان ويكرمه بالنبوة، إلا أنّ الدليل السمعيّ قام على أنّ هذا الجائر لم يقع وهو قوله تعالى: ﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى﴾ (نجم (۵۳) / ۲) ثمّ ذكروا في تفسير هذه الآية وجوهاً كثيرة.

۳. و كلّ جائر عن القصد ضالّ والضلّال والضلالة بمعنى؛ و رجل ضليل و مضلل إذا كان صاحب ضلال و باطل؛ و ممّا يدلّ على أنّ أصل الضلال ما ذكرناه، قولهم أضلّ الميت إذا دفن؛ وذاك كأنه شيء قد ضاع و يقولون ضلّ اللبن في الماء ثمّ يقولون استهلك؛ و قال في أضلّ الميت: و آب مضلّوه بعين جلية و غودر بالجوّلان حزم و نائل. (صفحه ۳۵۷) قال ابن السكيت: يقال أضللت بعيري إذا ذهب منك و ضللت المسجد والدار إذا لم تهتد لهما و كذلك كلّ شيء مقيم لا يهتدى له و يقال أرض مضلّة و مضلّة.

خدشه‌ای به ساحت مقدس رسول خدا ﷺ وارد نمی‌آورد و گمراهی مورد اشاره هرگز معادل کفر و شرک و... نیست؛ زیرا این آیه ناظر به دوران کودکی پیامبر ﷺ است و طبعاً انسان در دوران صباوت و کودکی، کمالات دوران جوانی و میانسالی را ندارد.

همچنین اگر ضالّ به معنای گم شده باشد، در این صورت، با در تقدیر گرفتن لفظ «إلی بیتک» پس از «فهداک» (نک: سبحانی، منشور جاوید، ج ۶، ص ۹۶-۸۸) معنای آیه اشاره به دوران کودکی پیامبر دارد که در شعاب مکه، گم شده بود و اگر رحمت الهی شامل حال او نگشته بود، جان خود را از دست می‌داد.

اگر مقصود از ضالّ، گمنام باشد، در این صورت «فهدی» به معنای هدایت پیامبر نیست؛ بلکه منظور هدایت مردم به سوی پیامبر است.^۱ (مجلسی، ج ۱۶، ص ۱۳۸) اینها همگی به این دلیل است که مطابق نقلهای مسلم تاریخی، رسول خدا ﷺ نه تنها به لحاظ عقیده موحد و یکتاپرست بود، بلکه در طول سال، همواره در مواقع خاصی، به تهجد و اعتکاف می‌پرداخت (سیوطی، ج ۱، ص ۵۰ و ۵۱) و نماز می‌خواند و روزه می‌گرفت و حج به جا می‌آورد و از پلیدیهای رایج آن زمان خصوصاً گوشت مردار دوری می‌گزید و در این خصوص، اختلافی بین دانشمندان مسلمان وجود ندارد. (سبحانی، راز بزرگ رسالت، ص ۲۹۴-۲۹۵ و ۲۹۹-۳۰۱)

۲-۱) قبل از چهل سالگی

در این خصوص، دو احتمال داده شده است: یکی آغاز نبوت از بدو طفولیت؛ و دیگری برخورداری پیامبر ﷺ از مقام نبوت حتی قبل از آفرینش آدم. بعثت پیامبران الهی - که برترین و خاتم آنها پیامبر بزرگوار اسلام بوده، مراحل و

۱. أنّ المعنى، وجدك مظلوماً عنك في قوم لا يعرفون حقك، فهداهم إلى معرفتك وأرشدهم إلى فضلك، و الاعتراف بصدقك؛ والمراد أنك كنت خاملاً لا تذكر ولا تعرف، فعرفك الله إلى الناس حتى عرفوك عظموك.

درجاتی داشته که یکی از آن مراحل «نبوت» است. این مرحله قبل از مرحله رسالت بوده، مرحله‌ای است که از طریق فرشتگان یا در خواب یا از طریق الهام، به آنها وحی می‌شده و دستورها یا خبرهایی از جانب خدای تعالی به ایشان داده می‌شد، و آنان مأمور به عمل بدان می‌شدند؛ ولی مأمور به ابلاغ و رساندن آنها به دیگران نبودند. در این مرحله، آنها «نبی» بودند نه رسول. کلینی رحمته الله به سند خود از زید شحام روایت کرده است که گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ عَبْدًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ نَبِيًّا وَإِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ نَبِيًّا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ رَسُولًا؛ وَإِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ رَسُولًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ خَلِيلًا؛ وَإِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ خَلِيلًا قَبْلَ أَنْ يَجْعَلَهُ إِمَامًا. فَلِمَّا جَمَعَ لَهُ الْأَشْيَاءَ قَالَ: إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا. (کلینی، ج ۱، ص ۱۷۴-۱۷۹)

به راستی که خدای تعالی ابراهیم را به بندگی خویش برگرفت پیش از آنکه به نبوت برگردد؛ و خدای تعالی او را به نبوت خویش برگرفت پیش از آنکه به رسالت برگردد؛ و به رسالت برگرفت پیش از آنکه به دوستی خود برگردد؛ و به دوستی برگرفت پیش از آنکه به امامت برگردد. چون همه اینها را برای او گرد آورد، فرمود: «من تو را برای مردم امام قرار دادم.»

همچنین، زراره نقل کرده است: از امام باقر علیه السلام معنای آیه شریفه ﴿وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا﴾ و فرق میان «رسول» و «نبی» را پرسیدم، آن حضرت در پاسخ من فرمود:

النَّبِيُّ الَّذِي يَرَى فِي مَنَامِهِ وَيَسْمَعُ الصَّوْتِ وَلَا يَعَايِنُ الْمَلِكَ وَالرَّسُولَ الَّذِي يَسْمَعُ الصَّوْتِ وَيَرَى فِي الْمَنَامِ وَيَعَايِنُ الْمَلِكَ... (همانجا)

نبی کسی است که در خواب فرشته را ببیند و صدای او را بشنود، ولی به عیان، فرشته را نبیند. و رسول کسی است که صدا را بشنود و در خواب ببیند و در عیان نیز او را مشاهده کند.

در روایت دیگری، از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

الأنبياء والمرسلون على أربع طبقات: فنبى منبأ في نفسه لا يعدو غيرها؛ و

نبي يري في النوم و يسمع الصوت و لا يعاينه في اليقظه و لم يبعث الى احد...

(همانجا)

انبیاء و رسولان بر چهار طبقه‌اند: «نبی» ای که تنها به او خبر رسیده است و از او به دیگری تجاوز نکند؛ «نبی» ای است که در خواب ببیند و صدا را بشنود و در بیداری او را نبیند و به سوی دیگری هم مبعوث نشده.

۳-۱) آغاز نبوت قبل از خلقت آدم عليه السلام

یکی از عواملی که موجب شده تا این باور شکل گیرد که آغاز نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از خلقت آدم عليه السلام بوده، آیه ۷۵ سوره ص و روایات فراوان موجود در منابع شیعی و سنی است که همگی به مسئله تقدّم وجودی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر جمیع ممکنات اشاره دارند. زمانی که ابلیس بر آدم سجده نکرد، خداوند متعال فرمود: ﴿... يا اِٰبِلِيسُ مَا مَنَعَكَ اَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِیْدَیْ اَسْتَكْبَرْتَ اَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِیْنَ: ای ابلیس، چه چیز تو را مانع شد تا برای چیزی که به دو دست خویش آفریده‌ام، سجده آوری؟ آیا تکبر نمودی یا از عالی مقامان بودی؟﴾

از این آیه شریفه، برمی آید که تنها دو گروه بر آدم عليه السلام سجده نکردند: مستکبرین و آنان که عالی مقام بودند؛ لذا با این سؤال فهماند که ابلیس از عالی مقامان نبود؛ پس به یقین، از سر استکبار و عصیان سجده نکرده است. حال سؤال این است که این عالی مقامان چه کسانی اند؛ به یقین، اینان ملائک نیستند؛ چون طبق آیات قرآن کریم، همه ملائک مأمور به سجده بودند؛ لذا منظور از عالین کسانی اند که برتر از ملائک و برتر از آدم عليه السلام هستند. روایات فراوانی در منابع شیعی و سنی وجود دارد که تأییدی بر این مدّعاست؛ از جمله: ابوسعید خدری گوید:

نزد رسول الله صلی الله علیه و آله نشسته بودیم. در این هنگام، مردی رو به آن حضرت نمود و گفت: یا رسول الله، مرا خبر ده از قول خدای عزّ و جلّ به ابلیس که ﴿اَسْتَكْبَرْتَ اَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِیْنَ؟﴾ یا رسول الله، چه کسانی هستند اینان که برتر از ملائک مقرب اند؟

رسول الله ﷺ فرمودند: «ایشان من و علی و فاطمه و حسن و حسین هستیم. ما در سراپرده‌های عرش، خدا را تسبیح می‌کردیم و ملائک به تسبیح ما تسبیح می‌گفتند؛ دو هزار سال قبل از خلقت آدم. پس چون خدا آدم را آفرید، امر نمود ملائک را که بر او سجده نمایند و ملائک مأمور به سجده نشدند، مگر به خاطر ما. پس ملائک همگی سجده کردند؛ مگر ابلیس که از سجده سر باز زد. پس خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيدِيَّ أَشْتَكَبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ؟﴾ (بحرانی، ج ۴، ص ۶۸۴)

طرفداران این نظر روایات فراوان موجود در منابع عامه و خاصه که از مضامین مشابهی برخوردار بوده، ظاهر آنها صراحت در اعطای نبوت به پیامبر اسلام قبل از آفرینش آدم ﷺ دارد، مستمسک قرار داده‌اند که برخی از این روایات به این شرح می‌باشد: «كنت نبياً و آدم بين الماء و الطين.»؛ «كنت نبياً و آدم بين الروح و الجسد.»؛ «كنت نبياً و آدم منخول في طينته» (مجلسی، ج ۱۸، ص ۲۲۲؛ ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۱۸۳؛ فخر رازی، ج ۶، ص ۵۲۵)

بر مبنای این احادیث است که برخی از محققان زمان آغاز نبوت پیامبر ﷺ را قبل از آفرینش آدم دانسته‌اند. (الصالحی الشامی، ج ۱، ص ۹۶-۱۰۰) حتی برخی نیز به صراحت، بر این نکته تأکید دارند که: «و الحق أنه ﷺ لم يكن متعبداً بشريعة من قبله من الأنبياء و أنه ﷺ كان نبياً حين تولده بل حين كان الآدم بين الماء و الطين ثم صار بعد ذلك رسولاً و أمر بان يدعو الناس بعد أربعين سنة.» (شبر، ج ۱، ص ۲۴۴-۲۴۶. نیز نک: ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۱۸۳)

برخی نیز بر این ادعایند که اگرچه نخستین فرد انسانی در زمین و اولین نبی آدم ﷺ بود و او و دیگر انبیاء تا آن هنگام که صورت جسمانی آنها خلق نشده باشد، متّصف به صفت نبی نیستند، اما وجود روحانی نبی مکرم اسلام ﷺ بالفعل نبی بود و شرایع سایر انبیاء همان حکم نبوت وی بود که به دست آنها به مردم ابلاغ می‌شد

و پیامبران همگی نواب او بودند؛ همان‌گونه که در عالم دنیا هم پیامبر نمایندگانی را برای تبلیغ اسلام به شهرهای مختلف می‌فرستاد؛ لذا با این بیان، تمامی شرایع همان شریعت اسلام و شریعت نبی مکرم اسلام است و با ظهور صورت جسمانی وی، تمامی آنها نسخ شده‌اند (میلانی، ج ۵، ص ۲۲۳-۲۲۴)

در این نظریه، مطابق اخبار صحیحه، خداوند این کمال را به پیامبرش اعطا نموده که از همان بدو آفرینش، وجود نوری او دارای مقام نبوت باشد و مطابق آیات قرآن از تمامی انبیاء پیمان گرفته که او را پیامبر و نبی خود بدانند و اگر در زمان آنها ظهور کرد یاری‌اش کنند که در آن صورت، آنها نبی بر امت خود هستند و پیامبر نبی آنها و لذا پیامبر اسلام نبی الانبیاء است. (همان، ص ۲۵۰ و ۲۵۱)

همچنین در این باب، گفته شده که نبوت پیامبر اسلام از همان زمان اخذ پیمان از بنی آدم آغاز شده و تأخر زمانی وجود جسمانی او منافاتی با نبی بودن او ندارد. درست مانند آنکه کسی را حاکم و والی قرار دهند، ولی زمان آغاز حکومت او را در آینده و چند سال بعد تعیین کنند. این تأخر زمانی شروع حکومت منعی برای حاکم بودن او نیست. (همان، ص ۲۵۳)

مشابه این نظر از ابن عربی هم نقل شده که علم پیامبر به پیامبری خویش در همان زمان حاصل شده و دیگر انبیاء که به لحاظ زمانی مقدم بر او هستند، در واقع، نواب پیامبر می‌باشند. (ابن عربی، ج ۱، ص ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶، ۲۴۳؛ ج ۲، ص ۱۰۸؛ ج ۳، ص ۲۲) ^۱ صحیحۀ احوال و دیگر روایات مشابه آن در بیان تفاوت نبی، رسول و محدث (نک: همان، ص ۲۶۶، روایت شماره ۲۷) در کنار روایات نقل شده از پیامبر ﷺ با این مضمون که «كنت نبياً و آدم بين الماء و الطين» یا «بين الروح و الجسد» و نیز اخبار فراوان موجود در خصوص آنکه ابراهیم عليه السلام قبل از آنکه امام باشد، خلیل بوده و قبل

۱. جالب آنکه ملاصدرا این روایت را حدیثی مشهور و شاهدی بر وجود عالم مثل افلاطونی دانسته و گفته است: «و اعلم أنّ المنقول من بعض القدماء كأفلاطون القول بقدم النفس الإنسانية، ويؤيده الحديث المشهور: كنت نبياً و آدم بين الماء و الطين.» (شیرازی، ج ۹، ص ۳۳۱-۳۳۲)

از آن رسول و پیش از آن نبی و قبل از همه عبد خدا بوده است (مجلسی، ج ۱۲، ص ۱۲) همگی، دلالت دارد که نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از شروع رسالت و دعوت رسمی ایشان بوده است.

۴-۱) آغاز نبوت از بدو طفولیت

تأکید برخی محققان بر تفاوت بین رسول و نبی و برتری مقام نبوت بر رسالت و اینکه هر رسولی قبل از آغاز دعوت رسمی خود از مقام نبوت برخوردار است (نک: عرب) و نیز مطالب مبسوطی که برخی دیگر درباره مهر نبوت و ماهیت آن و اینکه از ابتدای طفولیت پیامبر تا رحلت ایشان با وی همراه بوده (نفیسی) به طور ضمنی، دلالت بر تقدم نبوت بر رسالت و آغاز آن از بدو طفولیت پیامبر صلی الله علیه و آله دارد. همچنین برخی دیگر تصریح دارند که بر اساس روایات، پیامبر قبل از آنکه رسول باشد، نبی بوده و نبوت او از زمان ولادتش آغاز گردیده است. (عاملی، خلفیات کتاب مأساة الزهراء علیها السلام، ج ۱، ص ۳۹۹-۴۰۲) افزون بر این، به اعتقاد برخی کلام امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه که می فرمایند: «و لقد قرن الله به من لدن ان كان فطيماً أعظم ملك من ملائکته یسلک به طریق المکارم و محاسن أخلاق العالم ليله و نهاره...» (شریف رضی، خ ۱۹۲؛ ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۲۰۱) بهترین دلیل بر تقدم نبوت پیامبر بر رسالت ایشان است؛ زیرا همان گونه که در متن این کلام آمده است، پیامبر صلی الله علیه و آله از همان بدو طفولیت به واسطه یکی از ملائکه بزرگ الهی، تحت تعلیم مستقیم خداوند بوده و مکارم اخلاق و محاسن آداب را از این طریق فرا گرفته است و این چیزی جز معنای نبوت نیست. (مجلسی، ج ۱۸، ص ۲۷۸)

پیامبر صلی الله علیه و آله طبق نقلهای معتبر و آثار مستفیضه، قبل از بعثت، مؤید به روح القدس بوده و فرشته وحی با ایشان سخن می گفته است و پیامبر هم صدای آن ملک را می شنیده و در خواب او را می دیده و از همان طفولیت، به عبادت خداوند مشغول بوده است، ولی نوع این عبادت برای ما مشخص نیست؛ اما در چهل سالگی و پس

از آغاز دعوت رسمی و نزول قرآن، فرشته وحی را در بیداری هم مشاهده نمود. در روایتی از امام باقر علیه السلام چنین نقل شده که عیسی علیه السلام - که در گهواره سخن گفت - بر کسانی که سخن او را شنیدند حجّت بود و در همان هنگام از مقام نبوت برخوردار گشت؛ اما بعد از هفت سال مأمور به تبلیغ شد و به رسالت رسید. (کلینی، ج ۱، ص ۳۸۲-۳۸۳)

همچنین روشن است که «آتانی الکتاب» دلالت بر آن دارد که دریافت کتاب در زمان ماضی بوده است؛ یعنی موقفی قبل از زمان تکلم در گهواره و اگر بنا باشد کلمات جعلی و آتانی را مربوط به آینده بدانیم، «جعلی مبارکاً» هم متعلق به زمان آینده خواهد بود و دلالت بر نفی برکت در زمان تکلم در گهواره خواهد داشت؛ حال آنکه حضرت عیسی علیه السلام در تمام احوال و لحظات زندگی خویش و نه فقط در آینده مبارک است و اینکه عیسی بخواند بگوید من در آینده پیامبر خواهم شد و کتاب به من عطا می شود، معنای نخواهد داشت و در آیه شریفه هم هیچ قرینه‌ای یا مقالیه‌ای برای حمل آن بر زمان مستقبل وجود ندارد (عاملی، خلفیات کتاب مأساة الزهراء علیها السلام، ج ۱، ص ۳۸۳)؛ بلکه کلام او در کمال عقل و ثبوت تکلیف و حصول نبوت بود و ظاهر آیه هم بر همین نکته دلالت دارد. (مفید، ص ۱۲۵) علامه مجلسی با توجه به این روایت و نیز روایات فراوانی که «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَعْطِ نَبِيًّا فَضِيلَةً وَلَا كَرَامَةً وَلَا مَعْجَزَةً إِلَّا وَقَدْ أَعْطَاهُ نَبِيَّتَنَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» چنین استدلال می کند که چگونه ممکن است انبیای گذشته در کودکی و از بدو تولد، نبی بوده باشند، اما پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که افضل از ایشان است، تا سنّ چهل سالگی بی بهره از مقام نبوت باشد. همچنین به نظر وی با توجه به روایات فراوانی که در خصوص مقام ائمه اطهار علیهم السلام و خلقت نوری آنها و احوالات و کمالات ایشان در عالم اظله و میثاق رسیده است و اینکه قبل از خلق آدم، این ذوات مقدّس در حجب نور به عبادت و تسبیح خدا اشتغال داشته و ملائکه از ایشان تسبیح و تهلیل و تقدیس و... را فرا گرفته اند و یا روایات مربوط به خلقت نوری ایشان و نیز اخبار ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام و قرائت کتب آسمانی در بدو

ولادت و نیز پاسخگویی امام زمان علیه السلام به سؤالات مشکل شیعیان و اخبار از امور غیبی در زمان صباوت و هنگامی که در آغوش پدر خویش بودند و نیز فضایل دیگر ائمه، برای هیچ فرد عاقلی، جای شکّی باقی نمی ماند که پیامبر اکرم که افضل انبیاء است، قطعاً قبل از آغاز رسالت در سنّ چهل سالگی، متعبد به دستورهای الهی و برخوردار از مقام نبوت بوده و تمامی این فضائل را داشته است. علاوه بر این، اخباری که در خصوص ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله و اظهار نبوت توسط ایشان در همان بدو تولد رسیده نیز تأیید دیگری بر این مدّعاست. (مجلسی، ج ۱۸، ص ۲۷۹)

در این خصوص، گرچه برخی گفته اند این امر جنبه عمومی نداشته و به حسب شرایط و موقعیت آن زمان بوده است و نبود آن برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله منقصتی به شمار نمی آید، اما دلیلی هم برای نفی اعطای نبوت در کودکی به رسول خدا نیست. همچنین بر فرض آنکه از بدو طفولیت تا زمان رسیدن به بلوغ را نادیده بگیریم، اما پس از آن، هر مکلفی باید به دستورهای الهی عمل کند. هیچ زمانی این تکلیف از کسی برداشته نمی شود؛ از این رو، لازم است تا پیامبر صلی الله علیه و آله در آن هنگام نبی بوده و عامل به شریعت خود باشد و یا اینکه از شریعت انبیای پیش از خود تبعیت کند. پس اگر بر این باور باشیم که قبل از شروع دعوت رسمی در سنّ چهل سالگی، هیچ وحیی به پیامبر صلی الله علیه و آله نشده و پیامبر در آن هنگام نبی نبوده، با توجه به آنکه طبق اخبار متواتره خداوند در هیچ زمانی زمین را خالی از حجّت قرار نداده است و در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله هم اوصیاء عیسی و ابراهیم علیهما السلام بوده اند، لازم است تا ایشان از اوصیای عیسی علیه السلام - بر فرض جهانی بودن دین مسیح علیه السلام - یا اوصیای ابراهیم علیه السلام تبعیت کند و آنها حجّت بر پیامبر باشند، اما این فرض به دو دلیل ممکن نیست. نخست آنکه پیامبر افضل از آنان است و دوم آنکه ابوطالب و غیر او نمی توانند حجّت بر پیامبر صلی الله علیه و آله باشند و تنها مستودع وصایای نبوت بوده اند. (نک: مجلسی، ج ۱۷، ص ۱۴۰ و ج ۳۵، ص ۷۳)

حدیث شق صدر

یکی از دلایل کسانی که آغاز نبوت رسول خدا را بدو طفولیت می دانند، استناد به حدیث شق صدر است که با تفاوت‌هایی در ذکر سن پیامبر و مواضع روی دادن این حادثه، نقل شده است.^۱ این جریان در منابع سیره و تاریخ به عنوان یکی از معجزات پیامبر ﷺ ذکر شده و فضیلتی برای ایشان به شمار آمده است و آن را از امور خارق‌العاده‌ای دانسته‌اند که باید در مقابل آن تسلیم بود و به آن ایمان داشت و آن را از امور محال ندانست؛ زیرا راویان این حدیث از جمله ثقات و مشاهیر دانسته شده‌اند؛

این جریان بر طبق نقل‌هایی که وجود دارد، یکبار در زمان طفولیت پیامبر و بار دیگر در سن ۱۰ سالگی و دیگر بار در سن حدود ۵۰ سالگی و شب معراج روی داده است و این تکرار از باب فضیلت و شرف برای وی است. این کارگرچه شاید در آن زمان محال به نظر می‌رسید، اما امروزه در بسیاری از جراحیها مشابه آن انجام می‌شود و کاری است در حد قدرت بشر و اگر بشر بتواند چنین کاری انجام دهد، به طریق اولی، این امر از سوی عوامل آسمانی امکان‌پذیر است و استبعادی ندارد. (ابن حبان، ص ۳۷، پاورقی)

اما داستان شق صدر به اجمال، چنین است که روزی پیامبر در دوران طفولیت و هنگامی که خارج از مکه و در قبیله بنی سعد بود، به ناگاه جبرئیل فرود می‌آید و شکافی در سینه وی ایجاد می‌کند و قلب پیامبر ﷺ را در تشتی از آب زمزم شستشو می‌دهد تا بهره شیطان از آن پاک شود. راوی این ماجرا که انس است، می‌گوید: من اثر این خط را در سینه پیامبر مشاهده کردم. این حدیث را بیشتر منابع عامه نقل کرده‌اند. (ابن حبان، ج ۱۴، ص ۲۴۲-۲۵۰؛ بیهقی، ص ۵ و ۷ و ۸؛ ابن هشام، ج ۱، ص ۲۰۱-۲۰۳، ابن

۱. برخی از دانشمندان اهل سنت این جریان را برای شب معراج نیز ذکر کرده‌اند. (نک: ابن حبان، ج ۳، ص ۳۴)



ابی‌الحدید، ج ۱۳، ص ۲۰۵-۲۰۶) و حتی تألیفات مستقلی هم درباره این جریان نگاشته شده است.^۱ (نک: البغدادی، اسماعیل باشا، ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۶۷۵؛ همو، هدیه العارفين، ج ۱، ص ۶۵۶؛ کحالة، ج ۶، ص ۲۵۰)

در برخی منابع، ابوهریره تنها فردی است که از رسول خدا درباره نخستین چیزی که با آن نبوت آغاز شد سؤال می‌کند و می‌گوید: «یا رسول الله! ما أول ما ابتدئت به من أمر النبوة؟» و پیامبر هم در پاسخ، جریان شق صدر را برای او تعریف می‌کنند.^۲ (المقریزی، ج ۳، ص ۳۳-۳۷) این جریان چنان مسلم فرض شده که برخی حتی اشعاری درباره آن سروده‌اند و معتقدند که این جریان در طول عمر پیامبر ﷺ سه تا پنج بار تکرار شده است. (ابوریه، ص ۱۸۷، به نقل از ابن‌هشام)

همچنین غالب مفسران در ذیل آیات سوره انشراح این داستان را ذکر کرده و دلایلی را در قبول یا رد آن مطرح نموده‌اند. از جمله، علامه طباطبایی آن را از باب مثل و نه حقیقت، جایز دانسته‌اند. (طباطبایی، ج ۲۰، ص ۳۱۷) و دیگرانی هم که این قصه را در کتاب تفسیر خود آورده‌اند، در توجیه آن چنین گفته‌اند که بر فرض پذیرش صحت چنین روایتی، نمی‌توان منظور از آن را قلب جسمانی دانست و مدلول آیه شرح صدر، مفهومی وسیع و گسترده دارد که این رویداد بر فرض صحت، تنها مصداقی از آن محسوب می‌شود. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۲۳)

نقد

محققان و تحلیل‌گران تاریخ اسلام (العاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۲، ص ۸۳-۹۰؛ پیشوایی، ص ۱۰۶) به دلایل متعدّد این موضوع را دور از واقعیت و از مجعولات می‌دانند. از جمله آنکه این روایتها به لحاظ متن، دچار نوعی اضطراب و

۱. النقل المتین فی شق صدر النبی الامین، عثمان بن أحمدین موسی الضجاعي الحکمی (م حدود ۹۸۶).

۲. مشابه همین روایت به ابوذر هم نسبت داده شده است. (مقریزی، ج ۳، ص ۳۴)

چندگونگی نقل هستند و به علاوه به لحاظ سندی هم قابل مناقشه‌اند. (یوسفی غروی، ج ۱، ص ۲۶۵)

همچنین چگونه ممکن است منبع تمامی شرور غده یا لخته‌خونی در قلب باشد که با برداشتن آن انسان به یک فرد متقی و معصوم تبدیل شود. آیا در این صورت، عصمت امری جبری نخواهد بود که با یک جراحی تمام بدیها از پیامبر دفع شده باشند؟ و اگر قرار است با برداشته شدن این غده تمامی شرور برطرف شوند، دیگر نیازی به تکرار این کار و حتی در زمانی پس از بعثت است؟ آیا خداوند نمی‌توانست از ابتدا پیامبرش را بدون وجود چنین چیزی در قلب او خلق کند تا دیگر نیازی به این جراحی دردناک نباشد؟ و آیا این داستان با افضلیت پیامبر بر تمامی دیگر انبیاء منافات ندارد؟ ضمن آنکه اصل این جریان برگرفته از اسطوره‌های دوران جاهلیت است. (عاملی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، ص ۸۶ و ۸۸-۹۰)

همچنین برخی از دانشمندان معاصر اهل سنت، از جمله محمود ابوریه، در کتاب *اضواء علی السنه المحمدیه* به شدت، به رد آن پرداخته و این قبیل روایات را از جمله اسرائیلیات و ساخته و پرداخته علمای اهل کتاب دانسته است.

معتقدان به حدیث شق صدر آیا به آیات قرآن توجه نکرده‌اند؟! به ویژه آنچه در سوره حجر آمده که خداوند به شیطان می‌فرماید تو بر بندگان مخلص من تسلط نداری. (حجر (۱۵) / ۴۲؛ اسراء (۱۷) / ۶۵) با این بیان آیه شریفه دیگر چه جای نفوذی برای شیطان در پیامبر می‌ماند تا نیاز به شق صدر و خارج کردن تأثیرات شیطانی از قلب پیامبر باشد؟ بر فرض هم که این حدیث صحیح باشد، خبر واحد است و با احادیث متواتری که مفید یقین است، در تعارض می‌باشد. (ابوریه، ص ۱۸۸) ابوریه به نقل از استاد خود محمد عبده چنین می‌گوید که: برای ما مسلم است که شیطان بر بندگان مخلص خدا که نبی مکرم اسلام برترین آنان است، تسلط ندارد و آنچه در احادیث مبنی بر اسلام شیطان پیامبر به دست ایشان و یازدوده شدن بهره شیطان از

سینه پیامبر (حدیث شق صدر) و مانند آن آمده، همگی اخبار ظنی و آحاد است و به دلیل آنکه ایمان به این اخبار، از مقوله ایمان به غیب و عقایدی است که نباید در آن به اخبار ظنی عمل کرد، ما مکلف به اخذ این احادیث در عقاید خود نیستیم (ابوریه، ص ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۸۷، ۱۸۵، ۱۸۶ و ۱۸۸)

خاتمه و نتیجه گیری

نبوت پیامبر اکرم ﷺ از سنّ چهل سالگی آغاز گردید و مدّتی بعد با نزول آیه «فاصدع بما تؤمر» دعوت علنی و رسالت ایشان پایه گذاری گردید؛ اگرچه ایشان از بدو طفولیت مؤید به روح القدس و تأییدات الهی بوده اند. درباره آیین پیامبر اکرم قبل از بعثت نیز می توان گفت که، ایشان در این دوران بر آیین حنیف ابراهیم علیه السلام بوده اند و نه یهودی و مسیحی، زیرا حضرت مسیح علیه السلام پیامبر بنی اسرائیل بوده و دین او برخلاف آیین حنیف ابراهیم، دینی جهانی و فراگیر نبوده است.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
١. ابن ابی الحديد. شرح نهج البلاغه. تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم. قاهره: دار إحياء الكتب العربية، ١٩٦١ م.
 ٢. ابن حبان. صحيح ابن حبان. تحقيق شعيب الأرنؤوط. مؤسسة الرسالة، چاپ دوم، ١٤١٤ق / ١٩٩٣ م.
 ٣. ابن سعد. الطبقات الكبرى. بيروت: دار للطباعة و النشر، ١٤٠٥.
 ٤. ابن شهر آشوب. مناقب آل ابی طالب. قم: المطبعة العلمية.
 ٥. ابن فارس، أبوالحسين أحمد. معجم مقاييس اللغة. تحقيق عبدالسلام محمد هارون. مكتبة الإعلام الاسلامي، ١٤٠٤.
 ٦. ابن كثير. البداية و النهاية. بيروت: دارالمعرفة، چاپ چهارم، ١٤١٩ق / ١٩٩٨ م.
 ٧. ابن عربي. الفتوحات المكيّة. بيروت: دار صادر - دار إحياء التراث العربي.
 ٨. ابن منظور. لسان العرب. قم: أدب الحوزة، ١٤٠٥.
 ٩. ابن هشام. السيرة النبويّة. تحقيق و تعليق و شرح و فهرس مصطفى سقا و ابراهيم ابيارى و عبدالحفيظ شلبي. بيروت: دار احياء التراث العربي، چاپ سوم، ١٤٢١ ق.
 ١٠. ابوريّة، محمود. أضواء على السنّة المحمّديّة. نشر البيطاء، الطبعة الخامسة، مزيدة محققة.
 ١١. بازرگان، مهدي. يا به ياى وحى: تفسير تدبيري قرآن بر حسب نزول. [بى تا].
 ١٢. بحراني، سيد هاشم. البرهان في تفسير القرآن. تحقيق قسم الدراسات الإسلامية مؤسسه البعثة. تهران: بنياد بعثت، ١٤١٦.
 ١٣. بغدادى، اسماعيل باشا. إيضاح المكنون. تصحيح رفعت بيلگه الكليسى. بيروت: دار إحياء التراث العربى.
 ١٤. _____ . هدية العارفين. بيروت: دار إحياء التراث العربى.
 ١٥. بيهقى، ابوبكر احمد بن حسين. السنن. بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٠٥.
 ١٦. پيشوايى، مهدي. تاريخ اسلام از جاهليت تا رحلت پيامبر اسلام ﷺ. قم: دفتر نشر معارف، چاپ سوم، ١٣٨٣ ش.



١٧. جوادى أملى، عبدالله. تفسير موضوعى قرآن: سيرة علمى و عملى حضرت رسول اكرم ﷺ. قم: نشر اسراء، ١٣٧٤ ش.
١٨. خزّازى، سيد محسن. بداية المعارف الإلهية في شرح عقايد الإمامية، بيروت: دارالميزان، ١٤١٢.
١٩. رسولى محلاتى، هاشم. بحوث حول بعثة رسول الله ﷺ، مجموعه مقالات كنگره شيخ مفيد، شماره ١١.
٢٠. رهبرى، حسن. آغاز نبوت و چگونگی نزول قرآن. نشریه پژوهشهای قرآنى، شماره ٤٦ و ٤٧، تابستان و پائيز ١٣٨٥.
٢١. سبحانى، جعفر. الإلهيات على هدى الكتاب و السنّة و العقل: محاضرات الأستاذ الشيخ جعفر السبحانى، به كوشش حسن مكى عاملى. بيروت: الدار الإسلامية، ١٤١٠.
٢٢. أضواء على عقائد الشيعة الإمامية. قم: مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام، چاپ اول، ١٤٢١.
٢٣. راز بزرگ رسالت. تهران: كتابخانه مسجد جامع تهران، ١٣٥٨.
٢٤. منشور جاويد. قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، ١٣٧٥.
٢٥. سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن بن ابى بكر. الإتيان في علوم القرآن. تصحيح محمد سالم هشام. تهران: ذوى القربى، ١٤٢٢.
٢٦. شبر، سيد عبدالله. حقّ اليقين في معرفة أصول الدين. بيروت: دارالأضواء.
٢٧. شيرازى، صدر الدين محمد. الحكمة المتعالية في الأسفار العقلية الأربعة. بيروت: دار إحياء التراث العربى. چاپ سوم، ١٩٨١ م.
٢٨. صالحى شامى، محمد بن يوسف. سبل الهدى و الرشاد في سيرة خير العباد. تحقيق مصطفى عبدالواحد. قاهره: وزارة الأوقاف.
٢٩. طباطبايى، سيد محمد حسين. الميزان في تفسير القرآن. بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات. چاپ دوم، ١٣٩٤.
٣٠. عاملى، سيد جعفر مرتضى. الصحيح من سيرة النبي الأعظم ﷺ. بيروت: دارالهادي للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ چهارم، ١٤١٥ ق / ١٩٩٥ م.
٣١. خلفيات كتاب مأساة الزهراء عليه السلام. بيروت: دار السيرة، چاپ پنجم، ١٤٢٢.

۳۲. عرب، مهین، ولایت و نسبت آن با نبوت و رسالت: با تکیه بر آراء سید حیدر آملی. **نشریه ندای صادق علیا**، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۸۰.
۳۳. علم الهدی، علی بن حسین سید مرتضی. **الذریعة إلى أصول الشریعة**. تحقیق گروه علمی مؤسسه امام صادق علیا با اشراف جعفر سبحانی. قم: ۱۴۲۹.
۳۴. _____ . **الذریعة إلى أصول الشریعة**. تصحیح و تقدیم و تعلیق ابوالقاسم گرجی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ ش.
۳۵. عمر کحالة. **معجم المؤلفین**. بیروت: مكتبة المثنی و دار احیاء التراث العربی.
۳۶. فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر. **مفاتیح الغیب**. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
۳۷. قمی، شیخ عباس. **سفینة البحار و مدينة الحكم والآثار**. تهران: دارالاسوة للطباعة و النشر، چاپ پنجم، ۱۴۲۸.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب. **الكافی**. تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری. تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ ش.
۳۹. کمره ای، میرزا خلیل. **افق وحی**. تهران: چاپخانه اسلامی، ۱۳۴۷ ش.
۴۰. مجلسی، محمد باقر. **بحار الأنوار: الجامعة لدرر أخبار أئمة الأطهار علیهم السلام**. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۴۱. مقدسی، مطهر بن طاهر. **البدء و التاريخ**. منسوب به ابوزید احمد بن سهل بلخی. مكتبة الثقافة الدينية.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر. **پیام قرآن**. قم: مدرسة الإمام أميرالمؤمنین علیا، ۱۳۷۷.
۴۳. _____ . **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۷۷.
۴۴. مطهری، مرتضی. **خاتمیت**. تهران: صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۷۴.
۴۵. محقق حلّی، نجم الدین ابی القاسم جعفر بن الحسن بن یحیی بن سعید الهذلی صاحب الشرایع، **معارج الاصول**. اعداد: رضوی، محمد حسین؛ الطبعة الاولى، ۱۴۰۳، مؤسسه آل البيت علیهم السلام للطباعة و النشر، قم.
۴۶. مقریزی. **إمتاع الأسماع**. تحقیق و تعلیق محمد عبدالحمید النمیسسی. بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۹۹۹/۱۴۲۰ م.

۴۷. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن. **قوانین الأصول**. چاپ سنگی قدیم.
۴۸. نفیسی، ابوتراب. تحقیق درباره ماهیت «مهر نبوت» حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله ﷺ، **نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد**، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۵۴.
۴۹. یوسفی غروی، محمد هادی. **موسوعة التاريخ الإسلامی، العصر النبوی، المعهد المکی**. قم: مجمع الفكر الاسلامی، مؤسسه الهادی، ۱۴۱۷ ق.
۵۰. میلانی، سید علی. **نفحات الأزهار فی خلاصة عبقات الأنوار للعلم الحجة آية الله السيد حامد حسين اللکهنوی**. ۱۴۱۴.
۵۱. مفید. **أوائل المقالات**. تحقیق شیخ ابراهیم انصاری. بیروت: دار المفید للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ - ۱۹۹۳ م.
۵۲. نمازی شاهرودی، علی. **مستدرک سفینة البحار**. تحقیق و تصحیح شیخ حسن بن علی نمازی. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۹.

منابع دیجیتالی

۱. سایت مجلات تخصصی نور
۲. نرم افزار جامع التفاسیر
۳. نرم افزار مکتبه اهل البيت (ع)
۴. نرم افزار دانشنامه نبوی
۵. نرم افزار معجم موضوعی بحار الانوار
۶. نرم افزار جامع الاحادیث
۷. نرم افزار نورالفقاهه
۸. سایت پژوهشکده باقر العلوم
۹. سایت پرسمان دینی
۱۰. سایت اعتقادات